



معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعین



مدیر مسئول: عبدالله داورزنی

سر دبیر: عباسعلی بیگدلی

زیر نظر جمعی از نویسندگان

مروغ میانی و صفحه بندی: شهلا مهدوی

شمارگان: ۲۰۰۰۰ نسخه

در این ویژه نامه می خوانید:

- ✓ سر آغاز سخن
- ✓ راهیان نور و دغدغه های امام خامنه ای (مدظله العالی)
- ✓ جهاد فرهنگی؛ تداوم بخش فرهنگ جهادی دفاع مقدس
- ✓ نقش غرب و آمریکا در شکل گیری داعش
- ✓ خاطره

ویژه نامه راهیان نور

www.hadinews.ir

نشانی ما روی شبکه:

۳۳۲۳۹۶۷۶-۳۳۲۳۹۹۷۰۱

تلفن و نمابر نشریه:

تهران، صندوق پستی ۱۷۸۴۵/۳۶۴

نشانی:

پست الکترونیک:

E-mail: ssb۱۱۰@chmail.ir

سرآغاز سخن

عزت و افتخار امروز کشور مرهون جانفشانی‌ها و خون‌هایی است که شهیدان گرانقدر تقدیم اسلام و انقلاب کرده‌اند. به تعبیر مقام معظم رهبری، دوران هشت سال دفاع مقدس تابلوی عظیم و بسیار باشکوهی است که هرچه بیننده به اصل حادثه نزدیک می‌شود و درباره اجزا و ترکیب آن تعمق بیشتری می‌کند به ابعاد جدید و شگرف بیشتری دست می‌یابد. پس ما وظیفه داریم به درستی از این گنجینه بی‌نظیر پاسداری کرده و پیام‌شان را به نسل‌های آینده منتقل کنیم تا بتوانیم در مقابل آسیب‌ها و تهدیدها مصون بمانیم؛ چراکه استکبار جهانی امروز برای رسیدن به اهداف خود، نسل جوان ما را آماج انواع توطئه‌ها و دسیسه‌های فرهنگی خود قرار داده است و اردوهای راهیان نور بسیج، متشکل از دانش‌آموزان، دانشجویان دانشگاه‌ها و نخبگان علمی و نیز سازمان‌ها و نهادهای مختلف کشور، یکی از عرصه‌های رویش در زمینه ترویج فرهنگ دفاع مقدس، دارای ظرفیتی است که علاوه بر مقابله با توطئه‌های فرهنگی استکبار جهانی، در شناخت و بازشناسی فرهنگ اصیل اسلامی به ویژه ارتقای فرهنگ ایثار و شهادت، نقشی اساسی دارد.

حفظ این هویت ارزشمند و پاسداشت و آشنایی با آن وظیفه تک‌تک افراد جامعه است در همین راستا معاونت سیاسی نمایندگی ولی در سازمان بسیج

مستضعفین با تهیه و انتشار این نوشته تلاش می‌کند
ضمن انجام مأموریت ذاتی خویش که بصیرت‌افزایی و
عمق‌بخشی سیاسی است در شناخت فرهنگ ایشار و
شهادت و مبانی آن همچنین چگونگی گسترش این
فرهنگ در نسل جوان گامی در خور توجه بردارد.

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه
در سازمان بسیج مستضعفین

راهیان نور

و دغدغه‌های امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

راهیان نور (مدظله‌العالی) و دغدغه‌های امام خامنه‌ای

پایان دوران دفاع مقدس، آغاز فصل جدیدی از انقلاب اسلامی بود که ملت بزرگ ایران پس از هشت سال حماسه و مجاهدت در راه پاسداری از کیان ایران اسلامی، سرفراز و استوار در آن گام می‌نهاد. سرمایه عظیم دفاع مقدس، گنجینه‌ای بود که می‌توانست در ادامه راه در عرصه‌های مختلف مورد استفاده قرار گیرد. در کنار کارهای زیادی که می‌بایست برای حفظ و نشر فرهنگ دفاع مقدس صورت گیرد، موضوع بازدید از یادمان‌های جنگ در مناطق عملیاتی و به عبارتی زیارت قدمگاه شهیدان از همان سال‌های اولیه پایان جنگ به صورت خودجوش آغاز شد. این حرکت فرهنگی پس از گذشت حدود یک دهه از پایان دفاع مقدس، با عنوان «راهیان نور» دارای ساختار و سازمان در مجموعه‌های متولی دفاع مقدس شد و بیش از پیش در بین قشرهای مختلف مردم، جای خود را باز کرد تا جایی که در حال حاضر سالانه میلیون‌ها نفر در قالب‌ها و شکل‌های مختلف از مناطق عملیاتی جنوب، غرب و شمال غرب بازدید می‌کنند.

این موضوع یعنی راهیان نور همواره مورد عنایت رهبر فرزانه انقلاب اسلامی بوده و هست به اندازه‌ای که حتی در ایام نوروز بعضی از سال‌ها ایشان در یک منطقه یادمانی حضور پیدا می‌کنند. مقام معظم رهبری این حرکت را یک ابتکار انقلابی و الهی می‌دانند و بر تداوم آن تأکید می‌کنند. در دیداری که معظم‌له در

آخرین روزهای سال ۹۲ با دست‌اندرکاران راهیان نور داشتند به نکات مهمی اشاره کردند که دو مورد از آنها عبارتند از:

۱- دفاع مقدس تابلویی عظیم: رهبر معظم انقلاب، دفاع مقدس را تابلویی بزرگ و یک نقاشی برجسته و پرشکوه معرفی می‌کنند که یک نمای دور دارد که نشان عظمت و زیبایی آن است و یک نمای نزدیک که در این حالت اجزا و ذره‌های تشکیل‌دهنده این تابلو باید مورد توجه و دقت قرار گیرند. اجزای این کل را می‌توان از فرماندهان و رزمندگان گرفته تا عملیات‌ها و مناطق جنگی و از شهدا تا جانبازان و آزادگان و ... جستجو کرد. مناطق عملیاتی دفاع مقدس دریای بیکرانی از مفاهیم ارزشی این حادثه بزرگ را با خود دارند.

۲- حادثه‌ای در خور شناخته شدن و شناساندن: یک واقعه هرچند بزرگ و دارای ظرفیت و قابلیت باشد، مادامی که درست شناخته نشود و در راستای نشر صحیح آن اقدامی صورت نگیرد، هیچ تأثیری در جامعه بیرونی نخواهد داشت. امروز به یمن گسترش روزبه‌روز فضای رسانه‌ای در عرصه‌های گوناگون، امکان بهره‌گیری از این استعدادها و ظرفیت‌ها هم به وجود آمده است. انتشار صرف و بعضاً کلیشه‌ای مطالب و موضوعات مربوط به این حوزه به معنی تحقق موضوع مورد تأکید رهبر معظم انقلاب یعنی شناساندن نیست. راهیان نور بستر مناسبی است برای معرفی ابعاد گوناگون دفاع مقدس است.

اما رهبر معظم انقلاب یک نگرانی هم در این خصوص دارند و معتقدند که حوادث بزرگ دست‌خوش دو تهدید اساسی هستند:

۱- **فراموشی:** دشمنان انقلاب اسلامی که تحمل دیدن افتخارات ملت ایران را ندارند از هر شیوه‌ای برای کم‌رنگ کردن موضوع دفاع مقدس استفاده می‌کنند. فراموش کردن دوران پرشکوه دفاع مقدس و آثار و نتایج آن که کارنامه درخشان ایستادگی و پیروزی ملت ماست، مورد توجه دشمنان است، پس در داخل کشور، هم اصحاب رسانه و هم اهالی فرهنگ و هنر باید برای حفظ و نشر آثار دفاع مقدس تلاش کنند و با خلق آثار خوب نسل‌های بعدی را هم با مفاهیم دفاع مقدس آشنا کنند.

۲- **تحریف:** تحریف حقایق جنگ هم از آسیب‌هایی است که در اثر کم‌توجهی و بی‌توجهی متولیان فرهنگی می‌تواند متوجه این موضوع بسیار مهم شود. ممکن است عده‌ای خواسته و ناخواسته قدم در مسیر تحریف حقایق بگذارند و آنها را وارونه نشان دهند. تغییر ماهیت یک پدیده در درازمدت اثرگذاری آن را کاهش داده و یا ممکن است آن را بی‌اثر کند؛ بنابراین توجه به مقوله تحریف هم بسیار حائز اهمیت است. تولید آثار هنری فاخر، تولیدات مکتوب در عرصه‌های گوناگون و تربیت و آموزش راویان و مبلغان برای تبیین صحیح وقایع دفاع مقدس از راه‌های جلوگیری از تحریف دفاع مقدس است.

جلوگیری از این تهدیدها هم می‌تواند در بستر راهیان نور مهیا شود؛ چراکه امروز راهیان نور میعادگاهی است برای آشنایی نسل‌های جدید با نسلی که برای دفاع از تمامیت میهنش از جان خود هم گذشت. امید که در پرتو رهنمودهای رهبر معظم انقلاب از این فرصت بزرگ بهترین بهره را ببریم.

جهاد فرهنگی؛

تداوم بخش فرهنگ جهادی دفاع مقدس

جهاد فرهنگی؛ تداوم بخش فرهنگ جهادی دفاع مقدس

مقدمه

تجربه ۳۵ ساله پس از پیروزی انقلاب اسلامی به روشنی گویای این مطلب است که بدخواهان اسلام و انقلاب برای نیل به اهداف شوم خود به انواع ترفند در ابعاد نظامی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی متوسل شده و می‌شوند.

بنابراین دلسوزان انقلاب اسلامی، بایستی به طور طبیعی در هر عرصه‌ای که دشمن برای ضربه زدن به انقلاب و نظام اسلامی وارد می‌شود، حضور یابند و به مقابله با تهدیدها و خطرهای پیردازند؛ زیرا نوع و عرصه دفاع از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن تابعی است از نوع و عرصه تهدید و تهاجم توسط دشمن.

اگر در دوره جنگ سخت وظیفه بارز مردم مؤمن و انقلابی، جهاد نظامی و دفاع مسلحانه از انقلاب بود اکنون با تغییر راهبرد دشمنان در سالیان اخیر به جنگ نرم و تمرکز بر مسائل فرهنگی، مسئولیت اصلی نیروهای انقلابی به‌ویژه جوانان عزیز چیزی جز جهاد فرهنگی و فکری نمی‌تواند باشد. این مهم در سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی اهمیت و ضرورتی دو چندان می‌یابد که در نوشتار حاضر به آن می‌پردازیم.

مفهوم و اقسام جهاد

بر اساس تعابیر بزرگان دین سه عامل مهم در تبیین مفهوم جهاد از دیدگاه اسلام حائز اهمیت است:

۱. اقدامی همراه با تلاش، و تحمل سختی ۲.
اقدامی در جهت مقابله با دشمن و دفع هجوم‌های
گوناگون او ۳. فی سبیل الله و به قصد امتثال
تکلیف الهی و کسب رضای خدا.

از آنجا که تهاجم دشمن به اسلام و سرزمین
اسلامی به شیوه‌های مختلف صورت می‌گیرد، روش
مقابله با آن نیز متنوع است؛ گاهی جهاد نظامی و
رویارویی در صحنه جنگ با دشمن است، گاهی جهاد
سیاسی و مشارکت در تعیین مسئولان اجرایی و
قانونگذار برای ایستادگی در مقابل نفوذ و استیلای
سیاسی دشمن، گاهی نیز جهاد مالی و تامین هزینه
مبارزه با دشمن است و در بسیاری مواقع جهاد
فرهنگی برای محو سلطه فرهنگی دشمن یا مقابله با
هجوم فرهنگی دشمن از اقسام مهم جهاد محسوب
می‌شود.

امام خامنه‌ای در تبیین اقسام جهاد می‌فرماید: «یکی
از چیزهای برجسته در فرهنگ اسلامی - که البته
مصادق‌های بارزی هم بیشتر در تاریخ صدر اسلام و
کمتر در طول زمان دارد - عبارت است از فرهنگ
رزمندگی و جهاد. جهاد هم فقط جهاد در میدان جنگ
نیست. هر چیزی که هم تلاش باشد، هم در مقابله با
دشمن، این جهاد است...»

بعضی ممکن است یک کاری را انجام بدهند،
زحمت هم بکشند، بگویند ما داریم جهاد می‌کنیم. نه.
یک شرط جهاد این است که در مقابله با دشمن باشد.
البته یک وقت در میدان جنگ مسلحانه است؛ این
جهاد رزمی است. یک وقت در میدان سیاست است؛
این جهاد سیاسی است. یک وقت در میدان فرهنگ
است؛ این جهاد فرهنگی است. یک وقت در میدان

سازندگی است؛ این جهاد سازندگی است. و البته میدان‌های دیگری هم هست. شرط اول این است که تلاش در آن باشد، کوشش باشد و شرط دوم اینکه در مقابل دشمن باشد...» (سخنرانی در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله - ۷۵/۳/۲۰).

اهمیت و ضرورت جهاد فرهنگی

فرهنگ، کلید تمام موفقیت‌ها و نیل به آرمان‌های مرفقی انقلاب اسلامی است. اهمیت فرهنگ را به طور کلی می‌توان در دو جنبه خلاصه کرد: نخست جایگاهی که فرهنگ در هویت و موجودیت جامعه دارد و دیگری نقشی که در پیشرفت و توسعه جوامع ایفا می‌کند.

نگاهی به آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی در بخش فرهنگی، کاستی‌های این عرصه‌ها را در میدان عمل به روشنی آشکار می‌سازد؛ زیرا استقرار ارزش‌های اسلام و انقلاب در زندگی جمعی و فردی با سطح و میزان مطلوب فاصله بسیاری دارد تا آنجا که مسائل فرهنگی به دغدغه‌ای مهم نزد همه دلسوزان اسلام، انقلاب و کشور به ویژه امام خامنه‌ای تبدیل شده است.

از سوی دیگر تهاجم فرهنگی سازمان‌یافته و جنگ نرم تمام‌عیار بر ضد اسلام ناب محمدی^(ص) مبارزه علیه سرچشمه‌های فساد و تباهی را به عنوان جهاد عقیدتی و فرهنگی در شرایط کنونی بر تمام مؤمنان، واجب و ضروری ساخته است.

بنابراین جهاد فرهنگی مقدم بر جهاد نظامی بوده و از اهمیت زیربنایی برخوردار است. چنانکه پیامبر اکرم^(ص) در آغاز رسالتش قبل از اینکه به او و پیروانش اجازه دفاع و جهاد نظامی داده شود، مأمور به جهاد

فرهنگی می‌شود و قرآن به عنوان کتاب جهاد فرهنگی بر قلب مبارک ایشان نازل می‌شود:

«وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» و به وسیله قرآن با آنان مبارزه کن مبارزه بزرگی» (سوره فرقان، آیه ۵۲).

بنابراین، جهاد کبیر، جهاد عملی، فکری و فرهنگی است که پس از جهاد اکبر یعنی جهاد با نفس در درجه برتری از دیگر جهادها قرار می‌گیرد و می‌بایست اهتمام بسیاری بر آن داشت؛ زیرا جهادی است که گفتمان درست فکری و فرهنگی را به جامعه ارایه می‌دهد و اجازه نمی‌دهد تا گفتمان باطل مستبدانه با سرکوب افکار و فرهنگ های عقلانی و عقلایی دیگر بر جامعه مسلط شود.

هدف از جهاد کبیر

هدف از جهاد فکری و علمی و فرهنگی آن است که مؤمنان را از تهاجم فکری و فرهنگی دشمن حفظ کرد و با پاسخگویی به شبهات و روشنگری و بصیرت‌زایی یا بصیرت‌افزایی، اجازه نداد تا رفتارهای نابهنجار آنان به شکل فرهنگ بر جامعه مسلط شود و با تخریب حقایق و هنجارهای ارزشی، فکری و فرهنگی، جامعه را دچار تردید کند.

پس از کادرسازی و تقویت مبانی فکری و فرهنگی و اخلاقی جامعه ایمانی با بهره‌گیری از عالمان و اندیشمندان، می‌بایست نسبت به افکار، اندیشه‌ها و رفتارهای ضد بشری و اخلاقی کافران و دشمنان واکنش نشان داد و با برهان و استدلال و جدال احسن دشمن را خلع سلاح کرد.

جهاد کبیر، گفتمان‌سازی فکری، فرهنگی

هدف از جهاد کبیر، ایجاد فضای مناسبی است تا

بشر در چارچوب عقلانیت و وحيانيت و فطرت سالم،
بينش و نگرش درستی به دست آورد و رفتارهای
هنجاری و ارزشی را در جامعه در پيش گیرد.

خداوند در آیه ۱۵ سوره لقمان یادآور می شود که
جهاد علمی و فرهنگی همواره در جهان وجود داشته و
خواهد داشت. همان اندازه که عاقلان و عالمان تلاش
می کنند تا فکر و فرهنگ عقلانی و سالم بر جامعه و
فکر و ذهن بشر حاکم شود، همان اندازه جاهلان و
سفیهان تلاش می کنند تا فکر و فرهنگ باطل ایشان بر
جامعه مسلط شود. انسان عاقل کسی است که براساس
علم و دانش عمل می کند و از یاوه گویی و افکار و
اندیشه های خرافی و جاهلانه پیروی و اطاعت
نمی کند.

از آنجا که گفتمان اسلامی، گفتمانی عقلانی با
خاستگاه عقل و فطرت سالم است، نیازی نمی بیند که
استبداد ورزد، اما گفتمان های علمی و فکری و
فرهنگی کافران چون دارای چنین خاستگاهی نیست و
بیشتر مبتنی بر آمیزه ای از حق و باطل، شبهات و
خرافات و گمان ها است، دچار استبداد رأی است و در
سرکوب اندیشه رقیب تلاش می کند و اجازه نمی دهد
تا گفتمان دیگری جز گفتمان باطل کفری شکل گیرد.

نقش غرب و آمریکا

در شکل گیری داعش

نقش غرب و آمریکا در شکل‌گیری داعش

مقدمه

شرک آن است که افرادی آلت دست سیاست‌های سرویس‌های جاسوسی انگلیس و آمریکا شوند و با اقدامات خود مسلمانان را غم‌دار کنند (مقام معظم رهبری).

روزها و ماه‌های مدیدی است سیاه‌پوشانی وحشت‌پراکن با بیرقی سیاه که مدعی خلافتی تازه در سرزمین‌های بحران‌زده سوریه، عراق و لبنان تا اندلس هستند نه تنها خواب آرام را از ساکنان این سرزمین‌ها ربوده‌اند، بلکه چون جلادانی بی‌رحم به هیچ کس اعم از شیعی، سنی، عرب، کُرد، ترکمن، مسیحی و ... رحم نمی‌کنند و گلوی مخالفان را به سادگی آب خوردن از دم تیغ نابکارشان می‌گذرانند، زنان را چونان برده از آن خود کرده، در بازار به فروش می‌رسانند، کودکان را زنده به گور می‌کنند و افرادی را که به بیعت خلیفه خودخوانده که ویژگی بارزش خونخواری است نیامده باشند در وسط میدان گردن می‌زنند و به راستی همچون رنگ بیرقشان تنها سیاهی و سیاهی به ارمغان این مردم ستم‌دیده آورده‌اند. آری غرب آسیا این روزها کم درد نداشته و غم‌های فلسطین و غزه و جنایت‌های تکفیری‌ها در سوریه کم نبوده است که فجایع شنگال، تلعفر، موصل، کوبانی و آمرلی در عراق به زخم‌های تازه و عمیق‌تری برای افزایش درد این منطقه بحران‌زده

تبدیل شده‌اند. دشمنان اسلام همواره دنبال این بوده‌اند که یک عامل ضد وحدت را به جهان اسلام تزریق کنند یا اینکه در بدنهٔ جهان اسلام رخوتی ایجاد کنند. بهترین گزینه برای این منظور آن بوده که آدم‌هایی از جنس خود مسلمان‌ها را به میدان مقابله بیاورند. چون اگر از خارج یک عامل نامطلوب را مطرح کنند، مسلمانان به‌آسانی و با استحکام بیشتری مقاومت نشان می‌دهند. سوءاستفاده از اختلافات فکری و اعتقادی مذاهب گوناگون اسلامی و اختلاف‌افکنی بین آنان همواره یکی از برنامه‌های ثابت استعمارگران و مستکبران برای تضعیف جهان اسلام و کسب منافع نامشروع بوده است.

چرایی حمایت آمریکا از گروه‌های تروریستی

با فروپاشی بلوک شرق، و پس از یازدهم سپتامبر، ایالات متحده با مطرح کردن خطر جدی تروریسم، درصدد برآمد خلأ ناشی از فقدان ایدئولوژی کمونیسم را با تهدید تروریسم جبران کند و از این طریق به اهداف و امیال توسعه‌طلبانه خود در دیگر کشورها مشروعیت بخشد، اما نباید فراموش کرد که یکی از مهم‌ترین مصادیق نقض حقوق بشر که به صورت مستقیم و غیرمستقیم توسط آمریکا هدایت می‌شود، نقش این کشور در شکل‌گیری گروه‌های تروریستی و سپس حمایت از آنان در راستای منافع و اهداف آمریکا در سایر مناطق جهان است. در این زمینه می‌توان به موارد متعددی به ویژه نقش آمریکا در شکل‌گیری القاعده و یا به نقش آمریکا در ایجاد و تقویت گروه‌های تروریستی داعش و ... اشاره کرد. القاعده پیمانکار آمریکا در جهان اسلام است. حمایت‌های گاه و بیگاه و آشکار و پنهان آمریکا از گروه‌های مسلح

القاعده و شبه نظامیان تروریست در کشورهای مختلف اسلامی و بازگذاشتن دست آنها در مناطقی مانند سوریه و عراق، نشان می‌دهد که هر جا منافع آمریکا ایجاب کند، از طریق این گروه‌های تروریستی اقدامات مختلفی را انجام می‌دهند.

آمریکا و هم‌پیمانانش حال با تغییر نام گروه‌های تروریستی از القاعده به داعش، النصره و ده‌ها عنوان دیگر برآند تا پرونده سیاه خود در ایجاد و حمایت از گروه‌های تروریستی را پنهان سازند.

نقش غرب و آمریکا در حمایت از تکفیری‌ها

گروه جنایتکار داعش از بی‌رحم‌ترین تروریست‌های حاضر در سوریه و عراق هستند و به حملات وحشیانه خود در عراق و سوریه ادامه می‌دهند. حملاتی که هدف آن ایجاد رعب و وحشت و اشغال شهرهای مختلف عراق در راستای اهداف کلان ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانانش است. این تروریسم که در سطح بین‌المللی اقدامی برای توقف آن انجام نشده، محاکمه نشده و در عوض، در بسیاری از حالات هم از وتو برای جلوگیری از محکومیت آن در سازمان ملل متحد استفاده شده است، حال عملکرد شورای امنیت سازمان ملل را نیز (که تحت نفوذ آمریکا می‌باشد) زیر سؤال برده است و این موضوع تا حد زیادی بیانگر حداکثر تسامح در مواجهه با تروریسم در عراق است. در چند سال گذشته، داعش از حامیان غربی خود و بویژه آمریکا سلاح‌ها و تجهیزات بسیار پیشرفته‌ای دریافت کرده است که این سلاح‌ها به عراق منتقل شده‌اند. نیروهای جنایتکار داعش، در چند سال گذشته در اردن، ترکیه و پاکستان توسط افسران سازمان «سیا» و موساد آموزش دیده‌اند و در سه سال گذشته در

سوریه تجربه کافی کسب کرده‌اند و در نیمه دوم سال ۲۰۱۳ وارد کشور عراق شدند. ادوارد اسنودن، همکار سابق سازمان اطلاعات و امنیت ایالات متحده (CIA) و افشاگر جنجالی اطلاعات محرمانه آمریکا نیز چندی پیش، از وابستگی داعش به رژیم صهیونیستی پرده برداشت و طی اظهاراتی اعلام کرد: ابوبکر البغدادی رئیس گروه تروریستی داعش، به مدت یک سال کامل نزد موساد (سازمان اطلاعات رژیم صهیونیستی) آموزش دیده است. اسنودن در ادامه این اظهاراتش که منتشر شده است، گفت: «در واقع سازمان CIA و MI۶ سازمان موساد، به وجودآورنده گروهک داعش بوده‌اند».

آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی با به وجود آوردن داعش تلاش کرده‌اند که همه تروریست‌های جهان را زیر پرچم یک گروهک جمع کنند تا بتوانند راحت‌تر آنان را هدایت و مدیریت کنند و از طریق آن‌ها به اهداف خود دست یابند. البته اصلی‌ترین هدف آن‌ها از به وجود آوردن داعش، حفظ امنیت رژیم صهیونیستی بوده است. آن‌ها از طریق داعش، با هر خطری که سرزمین‌های اشغالی را تهدید می‌کند، مبارزه و مقابله می‌کنند؛ البته با چهره و ظاهری به اصطلاح اسلامی. در واقع تنها راه حفظ امنیت صهیونیست‌ها، به وجود آوردن دشمن مثلاً خودی یعنی داعش در نزدیکی سرزمین‌های اشغالی بوده تا از طریق این دشمن، با دشمنان واقعی صهیونیست‌ها مقابله شود. آمریکایی‌ها، به گونه‌ای از خطر داعش حرف می‌زدند که گویی داعش یک‌روزه به وجود آمده است. حال آنکه فجایع انسانی و جنایات داعش در منطقه آمرلی در طول هفته‌های اخیر و سکوت کشورهای غربی در

برابر فاجعه انسانی روی داده در این منطقه، نمودی عینی از بی‌تفاوتی آمریکا و هم‌پیمانان غربی آن به حقوق انسان‌ها به رغم ادعاهای حقوق بشری آنها و به وضوح بیانگر این موضوع است که آمریکا و غرب صرفاً برای حفظ منافع خود و اتباعشان به حوزه‌های جدید وارد می‌شوند یا در برابر مسائل جهانی واکنش نشان می‌دهند. در سیاست کلان ایالت متحده، منطقه‌ای که در آن منافع آمریکا تهدید نشود و اتباع آمریکا و اروپا در آن ساکن نباشند به ویژه اگر مسلمان و شیعه نیز باشند باید مورد بی‌مهری و بی‌توجهی نظام بین‌الملل و جامعه جهانی قرار گیرد.

بنابراین بر کسی پوشیده نیست که عربستان سعودی، قطر و دیگر شیخ‌نشین‌های عرب که جیبشان از پول نفت انباشته است، در کنار اتحادیه اروپا و آمریکا در تمام مدت از داعشی‌ها حمایت می‌کرده‌اند.

فرجام سخن اینکه، بهترین چاره برای غرب در حال حاضر، آموختن درسی است که هر کودکی پیش از رسیدن به دوران بزرگسالی می‌بایست بیاموزد: هر عملی عواقبی دارد. این درس در غرب آسیا تنها می‌تواند یک معنا برای غرب و نظام سلطه داشته باشد: وارد این منطقه نشویم، نه اکنون و نه در آینده. و بهتر از آن اینکه رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار چندی پیش امیر کویت با ایشان، درباره عواقب حمایت از تفکر تکفیری به حامیان آنها هشدار دادند و اشاره نمودند که در آینده این گروه‌ها بالای جان حامیان خود خواهند شد.

خاطره

«اول روح آدم باید شهید بشه، بعد جسمش»
این جمله حکایتی داره فراموش نشدنی برای من و
خیلی دیگه از دوستانم.

یادش به خیر. اولین روز آبان سال ۱۳۹۱ بود. جنوب
بودیم. شب از بازدید مناطق عملیاتی به اردوگاه شهید
مسعودیان برگشتیم. خیلی حال و هوای خوبی داشتیم.
مخصوصاً ما که برای اولین بار به این مناطق رفته
بودیم.

اما یه خبر ناراحت کننده به ما رسید. خبر تصادف
اتوبوس راهیان نور شهرستان بروجن.

خیلی خیلی ناراحت کننده بود. هر کس یه گوشه
نشسته بود و گریه می کرد. قرار بود فردا صبح به سمت
شهرمون حرکت کنیم. همه بچه ها از یه طرف ناراحت
بودن، و از طرف دیگه ترسیده بودند.

هر لحظه، صدای یکی از بچه ها توی خوابگاه شنیده
می شد که داد می زد: «بچه ها، حلالم کنید». از دوستان
قدیمی مون که بعد از سال ها توی اون سفر دیدیمشون،
طلب حلالیت کردیم و ...

اون شب نماز بچه ها طولانی شده بود. با یه حس و
حال عجیب.

هر کس یه گوشه نشسته بود و گریه می کرد. بعضی ها
وصیتنامه می نوشتن. بعضی از بچه ها اونقدر ترسیده
بودن که می گفتن: «هرکاری کنید ما بر نمی گردیم». شب
بدی بود. مخصوصاً وقتی به محوطه اردوگاه می رفتیم
و به این فکر می کردیم که شب گذشته، اون بچه ها
اینجا قدم می زدن، می خندیدن و ...

بعضی از بچه های شوخ و خنده رو، سعی می کردن
ما رو از اون حال و هوا خارج کنن. اما ...

وقتی مسئولان کاروان، بی قراری بچه ها رو دیدن، با
بچه ها صحبت کردن. حتی یادمه که سوره واقعه رو به

صورت جمعی تلاوت کردیم. روحانی کاروان اومد
نمازخونه و بعد از سخنرانی، زیارت عاشورا خواند.
صدای گریه بچه‌ها... .

آخرین شب اردو، اینطور برگزار شد. درست
برخلاف دوره‌های قبل که بچه‌ها شب آخر،
خاطراتشون رو می‌گفتند.

از تمام وجودم حس می‌کردم که فردا قراره یه اتفاق
بیفته. یه حسی بهم می‌گفت شاید امشب، آخرین شب
عمرم باشه. مخصوصاً من و دوستم که صندلی جلوی
اتوبوس می‌نشستیم و در روزهای قبلی، شلوغی جاده،
پر پیچ و خمی مسیر و البته رانندگی تقریباً نامناسب
راننده رو دیده بودیم.

یادم نمیره جمله یکی از مبلغ‌هارو. به ما گفت: الکی
که نیست. اول درون آدم باید شهید بشه، بعد خودش
شهید میشه (اول روح آدم باید شهید بشه، بعد
جسمش). گفت: شهدای ما، اول روح خودشون رو
شهید می‌کردند، بعد عاشق شهادت می‌شدند و بعدش
می‌تونستن شهید بشن.

از اون به بعد، بچه‌ها به هرکس که گریه و بی‌تابی
می‌کرد می‌گفتن: «تو روحت رو شهید کردی. فردا
شهید میشی. مواظب خودت باش».

خلاصه اینکه اون شب هیچ کس نتونست راحت
بخوابه. یکی سوره مؤمنون رو می‌خوند که آروم بشه.
یکی زیارت عاشورا و خلاصه هر کس یه جور خودش
رو آروم می‌کرد.

شاید باور نکنید، اما خودم اون شب، خواب مراسم
تشییع اون‌هارو دیدم.

صبح، مراسم خداحافظی و از زیر قرآن رد شدن،
خیلی زیبا و همراه با اشک‌های بچه‌ها انجام شد. همه

دعا می خوندن، صدقه می دادن و

بچه ها وصیتنامه هاشون رو به دوستانشون تو
اتوبوس های دیگه می دادن و

وقتی توی اتوبوس ها نشستیم، همه ذکر می گفتن و
دعا می خوندن. کاملاً متفاوت با روزهای قبلی.
این حس غریب تا آخرین لحظات هم دست از
سرمون بر نمی داشت.

حتی وقتی به خونه رسیدیم، هنوز باورمون نمی شد
و خدا رو شکر می کردیم. آخه اصلاً برای مرگ آماده
نبودیم و نمی تونستیم پیش خدای بزرگ، حساب پس
بدیم، اما واقعیت اینه که جناب عزرائیل، همین جوری
مرگ رو به ما یادآوری می کنه.